

## بسم الله الرحمن الرحيم

### ۸- نیاسته های اخلاقی در نهج البلاغه

#### ۱- کبر و غرور

##### ۱-۱- کبر و غرور موجب تباهی عبادت های انسان

فَاعْتَبِرُوا بِمَا كَانَ مِنْ فِعْلِ اللَّهِ بِإِبْلِيسَ إِذْ أَحْبَطَ عَمَلَهُ الطَّوِيلَ وَ جَهْدَهُ الْجَهِيدَ وَ كَانَ قَدْ عَبَدَ اللَّهَ سِتَّةَ آلَافِ سَنَةٍ لَأَ يُدْرَى أَمْ مِنْ سِنِي الدُّنْيَا أَمْ مِنْ سِنِي الْآخِرَةِ عَنْ كَثِيرِ سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ فَمَنْ ذَا بَعْدَ إِبْلِيسَ يَسْلَمُ عَلَى اللَّهِ بِمِثْلِ مَعْصِيَتِهِ<sup>۱</sup>

#### واژه ها

لَا يُدْرَى: معلوم نیست

أَحْبَطَ: از بین برد، باطل کرد

سِنِي الدُّنْيَا: سال های دنیا

جَهْدَهُ الْجَهِيدَ: کوشش فراوان او

سِنِي الْآخِرَةِ: سال های آخرت

سِتَّةَ آلَافِ سَنَةٍ: شش هزار سال

فَمَنْ ذَا بَعْدَ إِبْلِيسَ يَسْلَمُ عَلَى اللَّهِ بِمِثْلِ مَعْصِيَتِهِ: پس چگونه ممکن است کسی بعد از ابلیس همان معصیت را

انجام دهد ولی سالم بماند؟

ترجمه: بنا بر این از آنچه خداوند در مورد ابلیس انجام داده عبرت گیرید، زیرا اعمال طولانی و کوشش های فراوان او را (بر اثر تکبر) از بین برد. او خداوند را شش هزار سال عبادت نمود که معلوم نیست از سال های دنیاست یا از سال های آخرت. اما با ساعتی تکبر همه را نابود ساخت، پس چگونه ممکن است کسی بعد از ابلیس همان معصیت را انجام دهد ولی سالم بماند؟

<sup>۱</sup> - نهج البلاغه، صفحه ۲۸۷، خطبه ۱۹۲.

## ۱-۲- راه مبارزه با کبر و غرور و خودپسندی

الف) وَإِذَا أَحَدٌ لَكَ مَا أَنْتَ فِيهِ مِنْ سُلْطَانِكَ أَوْ مَخِيلَةٍ فَانظُرْ إِلَى عِظَمِ مُلْكِ اللَّهِ فَوْقَكَ وَ قُدْرَتِهِ مِنْكَ عَلَى مَا لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ مِنْ نَفْسِكَ فَإِنَّ ذَلِكَ يُطَامِنُ إِلَيْكَ مِنْ طِمَاحِكَ وَيَكْفُ عَنْكَ مِنْ غَرَبِكَ وَيَفِيءُ إِلَيْكَ بِمَا عَزَبَ عَنْكَ مِنْ عَقْلِكَ<sup>۱</sup>

### واژه ها

**أَحَدٌ لَكَ:** برای تو به وجود آورد **طِمَاحِكَ:** سرکشی ات

**مَا أَنْتَ فِيهِ مِنْ سُلْطَانِكَ:** آن موقعیتی که در اثر قدرت و حکومت در آن قرار داری

**أُبهَةٌ:** نکبر و عظمت **غَرَبِكَ:** تندیت

**مَخِيلَةٌ:** خودپسندی **يَفِيءُ إِلَيْكَ:** به تو باز می گرداند

**يُطَامِنُ:** پائین می آورد **عَزَبَ:** از دست رفته

**ترجمه:** آن گاه که در اثر موقعیت و قدرتی که در اختیار داری، کبر و عجب و خودپسندی در تو پدید آید، به عظمت قدرت و ملک خداوند که ما فوق تو است، نظر افکن که این تو را از آن سرکشی پائین می آورد و آن شدت و تندی را از تو باز می دارد و آنچه از دستت رفته است یعنی نیروی عقل و اندیشه‌ات که تحت تأثیر این خود پسندی واقع شده، به تو باز می گردد.

ب) إِيَّاكَ وَ مُسَامَاةَ اللَّهِ فِي عَظَمَتِهِ وَ التَّشَبُّهَ بِهِ فِي جَبْرُوتِهِ فَإِنَّ اللَّهَ يُدِلُّ كُلَّ جَبَّارٍ وَ يُهِنُّ كُلَّ مُخْتَالٍ<sup>۲</sup>

### واژه ها

**إِيَّاكَ:** برحذر باش **يُهِنُّ:** خوار می کند

**مُسَامَاةَ:** رقابت و همتایی در علو و بزرگی **مُخْتَالٍ:** متکبر

۱ - همان، صفحه ۴۲۶، نامه ۵۳.

۲ - همان.

ترجمه: از همتائی در علو و بزرگی با خداوند بر حذر باش و از تشبه باو در جبروتش خود را بر کنار دار چرا که خداوند هر جباری را ذلیل و هر فرد خود پسند و متکبری را خوار خواهد ساخت.

## ۲- فخر فروشی به چیزهای موهومی

قاله بعد تلاوته «الْهَآكُمُ النَّكَآثُرُ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ» يَا لَهُ مَرَامًا مَا أَبْعَدُهُ وَ زَوْرًا مَا أَغْفَلُهُ وَ خَطْرًا مَا أَفْطَعُهُ لَقَدْ اسْتَخْلَوْا مِنْهُمْ أَى مَدْكِرٍ وَ تَنَآوَشُوهُمْ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ أ فَبِمَصَارِعِ آبَائِهِمْ يَفْخَرُونَ أَمْ بَعْدِيدِ الْهَلْكَى يَتَنَكَّأْتُونَ يَرْتَجِعُونَ مِنْهُمْ أَجْسَادًا خَوْتٌ وَ حَرَكَاتٍ سَكَنَتْ وَ لَأَنْ يَكُونُوا عِبْرًا أَحَقُّ مِنْ أَنْ يَكُونُوا مُفْتَخِرًا

### واژه ها

**الْهَآكُمُ:** شما را به خود مشغول کرد

**عَدِيدِ الْهَلْكَى:** تعداد مردگان

**النَّكَآثُرُ:** با چیزهای موهوم بر یکدیگر فخرفروشی کردن

**يَتَنَكَّأْتُونَ:** خود را بسیار می شمردند

**زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ:** تا آجا که برای شمردن نیاکان خود به قبرستان رفتید

**يَا لَهُ مَرَامًا مَا أَبْعَدُهُ:** چه هدف بسیار دوری

**تَنَآوَشُوهُمْ:** آنها را گرفتند

**زَوْرًا مَا أَغْفَلُهُ:** چه زیارت کنندگان غافلی

**يَرْتَجِعُونَ:** خواهان بازگشت هستند

**خَطْرًا مَا أَفْطَعُهُ:** چه افتخار موهوم و رسوائی

**أَجْسَادًا خَوْتٌ:** اجسادى که نابود و متلاش شده اند

**لَقَدْ اسْتَخْلَوْا مِنْهُمْ:** آنها را خالی یافتند

**حَرَكَاتٍ سَكَنَتْ:** حرکاتی که به سکون تبدیل یافته

**مَدْكِرٍ:** تذکر و یادآوری

**لَأَنْ يَكُونُوا عِبْرًا:** این که مایه عبرت باشند

**مَصَارِعِ:** قتلگاه ها

**مِنْ أَنْ يَكُونُوا مُفْتَخِرًا:** از این که باعث افتخار شوند

ترجمه: این سخن را پس از تلاوت این آیات «الهاکم النکآثر حتی زرتم المقابر» بیان فرموده. شگفتا چه هدف بسیار دوری و چه زیارت کنندگان غافلی و چه افتخار موهوم و رسوائی! به یاد استخوان های پوسیده کسانی افتاده اند که سال ها است خاک شده اند، آن هم چه یادآوری، آنها با این فاصله به یاد تفاخر به کسانی

افتاده‌اند (که هیچگونه سودی به حالشان نخواهد داشت) آیا به خوابگاه ابدی پدران خویش افتخار می‌کنند و یا با شمارش تعداد مردگان و نابود شدگان، خود را بسیار می‌شمرند (گوئی) خواهان بازگشت اجسادی هستند که تار و پودشان از هم گسیخته و حرکاتشان به سکون تبدیل یافته. (این اجساد پوسیده) اگر مایه عبرت باشند سزاوارتر است تا باعث افتخار.

### ۳- عیب جویی از دیگران

عیب جویی از دیگران در حالی که خود عیب داری، ممنوع

الف) فَكَيْفَ بِالْعَائِبِ الَّذِي عَابَ أَخَاهُ وَعَيْرَهُ بِلُؤَاهُ أَمَا ذَكَرَ مَوْضِعَ سِتْرِ اللَّهِ عَلَيْهِ مِنْ ذُنُوبِهِ مِمَّا هُوَ أَعْظَمُ مِنَ الذَّنْبِ الَّذِي عَابَهُ بِهِ وَكَيْفَ يَذْمُهُ بِذَنْبٍ قَدْ رَكِبَ مِثْلَهُ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ رَكِبَ ذَلِكَ الذَّنْبَ بَعِيْنِهِ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ فِيْمَا سِوَاهُ مِمَّا هُوَ أَعْظَمُ مِنْهُ<sup>۱</sup>

واژه ها

**عَائِبٌ:** عیبجو **يَذْمُهُ:** او را سرزنش می کند

**عَابَ أَخَاهُ:** عیب برادر خویش را می گیرد **قَدْ رَكِبَ مِثْلَهُ:** خود همانند آن را مرتکب شده

**عَيْرَهُ:** سرزنش می کند **مَوْضِعَ سِتْرِ اللَّهِ عَلَيْهِ:** پوششی که خداوند بر گناهان او افکنده

**بِلُؤَاهُ:** به بلا و مصیبتی که گرفتار شده

**ترجمه:** چرا و چگونه آن عیبجو عیب برادر خویش را می‌گیرد و او را به بلائی که گرفتار شده است سرزنش می‌کند؟ مگر به یاد ستر و پوششی که خداوند بر گناهان او افکنده نیفتاده و توجه ندارد که خداوند بر بزرگتر از گناهی که بر دگران عیب می‌گیرد در مورد او پوشش افکنده است؟ چگونه دیگری را بر گناهی مذمت می‌کند که خود همانند آن را مرتکب شده؟ و اگر به آن گناه آلوده نشده (شاید) معصیت دیگری کرده، که از آن بزرگتر است.

<sup>۱</sup> - همان، صفحه ۱۹۷، خطبه ۱۴۰.

ب) يَا عَبْدَ اللَّهِ لَا تَعْجَلْ فِي عَيْبِ أَحَدٍ بِذَنْبِهِ فَلَعَلَّهُ مَغْفُورٌ لَهُ وَلَا تَأْمَنْ عَلَى نَفْسِكَ صَغِيرَ مَعْصِيَةٍ فَلَعَلَّكَ مُعَذَّبٌ عَلَيْهِ<sup>۱</sup>

ترجمه: ای بنده خدا در عیب و مذمت هیچکس بر گناهش عجله مکن، شاید خداوند او را آمرزیده باشد و نیز بر گناه کوچکی که خود انجام داده‌ای ایمن مباش شاید به خاطر آن کیفر بینی.

#### ۴- بازگویی اسرار دیگران

وَلَا تُحَدِّثِ النَّاسَ بِكُلِّ مَا سَمِعْتَ بِهِ فَكَفَىٰ بِذَلِكَ كَذِبًا وَلَا تَرُدَّ عَلَى النَّاسِ كُلِّ مَا حَدَّثُوكَ بِهِ فَكَفَىٰ بِذَلِكَ جَهْلًا<sup>۲</sup>

واژه ها

لَا تُحَدِّثُ: بازگو مکن حَدَّثُوكَ: برای تو نقل کردند

فَكَفَىٰ بِذَلِكَ كَذِبًا: همین بس که تو را دروغگو شمردند

لَا تَرُدُّ: انکار نکن فَكَفَىٰ بِذَلِكَ جَهْلًا: همین بس که تو را نادان شمردند

ترجمه: هر چه شنیدی به دیگران مگوی که همین بس که تو را دروغگو شمردند و هر چه شنیدی، انکارش مکن که همین بس که تو را نادان شمردند.

#### ۵- هواپرستی

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ اثْنَانِ اتِّبَاعُ الْهَوَىٰ وَ طُولُ الْأَمَلِ فَأَمَّا اتِّبَاعُ الْهَوَىٰ فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَأَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْآخِرَةَ<sup>۳</sup>

ترجمه: ای مردم ترسناک‌ترین چیزی که از آن بر شما می‌ترسم دو چیز است: پیروی از هوا و هوس و آرزوهای طولانی، اما پیروی از هوا و هوس انسان را از راه حق باز می‌دارد و آرزوهای طولانی آخرت را به دست فراموشی می‌سپارد.

<sup>۱</sup> - همان، صفحه ۱۹۷، خطبه ۱۴۰.

<sup>۲</sup> - همان، صفحه ۴۵۹، نامه ۶۹.

<sup>۳</sup> - همان، صفحه ۸۳، خطبه ۴۲.

## ۶- هم نشینی با هواپرستان

و مُجَالَسَةَ أَهْلِ الْهُوَى مُنْسَاةً لِلْإِيمَانِ وَ مُحَضَّرَةً لِلشَّيْطَانِ<sup>۱</sup>

### واژه ها

**مُنْسَاةً:** محل فراموشی **مُحَضَّرَةً لِلشَّيْطَانِ:** محل حضور شیطان

ترجمه: همنشینی با هواپرستان ایمان را به دست فراموشی می سپارد و شیطان را به حضور می کشاند.

## ۷- وابستگی و دلبستگی به دنیا

### ۷-۱- دنیا محل مسابقه، نه دل بستن

أَلَا وَ إِنَّ الْيَوْمَ الْمِضْمَارَ وَ غَدَا السَّبَّاقِ وَ السَّبَقَةُ الْجَنَّةُ وَ الْغَايَةُ النَّارُ أَلَا تَأْتِبُ مِنْ خَطِيئَتِهِ قَبْلَ مَنِّيهِ أَلَا عَامِلٌ لِنَفْسِهِ قَبْلَ يَوْمِ بُؤْسِهِ<sup>۲</sup>

### واژه ها

**الْمِضْمَارُ:** زمان و محل تمرین **الْغَايَةُ:** جایگاه عقب ماندگان

**السَّبَّاقُ:** مسابقه **مَنِّيهِ:** مرگش

**السَّبَقَةُ:** خطّ پایان مسابقه **يَوْمِ بُؤْسِهِ:** روز بدبختی اش

ترجمه: بدانید که امروز روز تمرین است و فردا روز مسابقه و خطّ پایان، دروازه بهشت برین است، و آن که بدان نرسد در دوزخ جایگزین. آیا کسی نیست که از گناه توبه کند پیش از آنکه مرگش سر رسد؟ آیا کسی نیست که کاری کند، پیش از آنکه روز بدبختی اش در رسد؟

<sup>۱</sup> - همان، صفحه ۱۱۶، خطبه ۸۶.

<sup>۲</sup> - همان، صفحه ۷۱، خطبه ۲۸.

## ۷-۲- کم ارزشی دنیا در مقایسه با آخرت

### الف) دنیا کم ارزش تر از پوست درخت

فَلْتَكُنِ الدُّنْيَا فِي أَعْيُنِكُمْ أَصْغَرَ مِنْ حُثَالَةِ الْقَرْظِ وَ قُرَاضَةَ الْجَلْمِ وَ اتَّعِظُوا بِمَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ قَبْلَ أَنْ يَتَّعِظَ بِكُمْ مَنْ بَعْدَكُمْ<sup>۱</sup>

#### واژه ها

**فَلْتَكُنْ:** باید باشد **الْجَلْم:** قیچی بزرگی که با آن پشم حیوانات را می گیرند

**حُثَالَةٌ:** پوستی که از دانه جو و برنج به وقت پاک کردن **وَ اتَّعِظُوا:** پند و عبرت بگیرید

می افتد و به هر چیز پست و بی ارزش «حثاله» گویند

**الْقَرْظُ:** برگ درختی که با آن دباغی کنند **قَبْلَ أَنْ يَتَّعِظَ:** پیش از آن که عبرت بگیرند

**قُرَاضَةٌ:** آنچه از دم قیچی موقع برش به زمین می افتد

**ترجمه:** ای مردم دنیا در چشم شما باید کم ارزش تر از پوست درخت و اضافی های قیچی هائی که با آن پشم حیوانات را می چینند بوده باشد، از پیشینیان پند بگیرید، پیش از آنکه آیندگان از شما پند بگیرند.

### ب) دنیا کم ارزش تر از لنگه کفش

قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ دَخَلْتُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ( عَلَيْهِ السَّلَام ) بَدِي قَارٍ وَ هُوَ يَخْصِفُ نَعْلَهُ فَقَالَ لِي مَا قِيمَةُ هَذَا النَّعْلِ فَقُلْتُ لَا قِيمَةَ لَهَا فَقَالَ ( عَلَيْهِ السَّلَام ) وَ اللَّهُ لَهِيَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ إِمْرَتِكُمْ إِلَّا أَنْ أُقِيمَ حَقًّا أَوْ أُدْفَعَ بَاطِلًا<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> - همان، صفحه ۷۶، خطبه ۳۲.

<sup>۲</sup> - همان، صفحه ۷۶، خطبه ۳۳.

## واژه ها

يَخْصِفُ نَعْلَهُ: کشف خود را وصله می زد

أَنْ أُقِيمَ حَقًّا: حقی را به پا دارم

إِمْرَتِكُمْ: حکومت بر شما

أَدْفَعُ بَاطِلًا: باطلی را دفع نمائم

ترجمه: عبد الله بن عباس می گوید: در منزل «ذی قار» - بر امیر مؤمنان وارد شدم هنگامی که مشغول وصله نمودن کفش خود بود. به من فرمود: «قیمت این کفش چقدر است» گفتم: «بهائی ندارد» فرمود: «به خدا سوگند همین کفش بی ارزش برایم از حکومت بر شما محبوب تر است، مگر این که با این حکومت حقی را به پا دارم و یا باطلی را دفع نمائم.»

## ج) دنیا، سرای فنا و نیستی

وَ الدُّنْيَا دَارٌ مُنِي لَهَا الْفَنَاءُ وَ لِأَهْلِهَا مِنْهَا الْجَلَاءُ وَ هِيَ حُلُوَّةٌ خَضْرَاءُ وَ قَدْ عَجَلَتْ لِلطَّالِبِ وَ التَّبَسَّتْ بِقَلْبِ النَّاطِرِ فَارْتَحِلُوا مِنْهَا بِأَحْسَنِ مَا بَحَضَرْتِكُمْ مِنَ الزَّادِ وَ لَا تَسْأَلُوا فِيهَا فَوْقَ الْكِفَافِ وَ لَا تَطْلُبُوا مِنْهَا أَكْثَرَ مِنَ الْبَلَاغِ

## واژه ها

مُنِي: مقدر شده

التَّبَسَّتْ: در آمیزد

الْجَلَاءُ: ترک وطن

فَارْتَحِلُوا مِنْهَا: پس از آن کوچ نمائید

حُلُوَّةٌ: شیرین

الْكَفَافُ: به اندازه نیاز

خَضْرَاءُ: سرسبز

الْبَلَاغُ: معاش به اندازه مدت زندگی

قَدْ عَجَلَتْ لِلطَّالِبِ: به سرعت بسوی خواهانش می دود

ترجمه: دنیا خانه‌ای است که فنا بر پیشانی‌اش نوشته شده و جلای وطن برای اهل آن حتمی است، این جهان شیرین و دل انگیز و سر سبز است، به سرعت بسوی خواهانش می دود و با قلب و روح آن کس که به



آن نظر افکند می‌آمیزد. سعی کنید با بهترین زاد و توشه‌ای که در اختیار شما است از آن کوچ نمائید و بیش از کفاف و نیاز خود از آن نخواهید و بیشتر از آنچه نیاز دارید از آن مطالبید.

۸- توسل به ابزار غیر مقدس برای نیل به اهداف مقدس (هدف وسیله را توجیه نمی‌کند)

أَتَأْمُرُونِي أَنْ أَطْلُبَ النَّصْرَ بِالْجَوْرِ فِيمَنْ وُلِّيَتْ عَلَيْهِ وَاللَّهُ لَا أَطُورُ بِهِ مَا سَمَرَ سَمِيرٌ وَمَا أُمَّ نَجْمٌ فِي السَّمَاءِ نَجْمًا وَ لَوْ كَانَ الْمَالُ لِي لَسَوَّيْتُ بَيْنَهُمْ فَكَيْفَ وَإِنَّمَا الْمَالُ مَالُ اللَّهِ<sup>۱</sup>

واژه‌ها

أَتَأْمُرُونِي: آیا به من دستور می‌دهید

أَنْ أَطْلُبَ النَّصْرَ: استمداد جویم

فِيمَنْ وُلِّيَتْ عَلَيْهِ: در حق کسانی که بر آنها حکومت می‌کنم

لَا أَطُورُ بِهِ: گرد آن نمی‌چرخم، به طرف آن نمی‌روم

مَا سَمَرَ سَمِيرٌ: تا روزگاز باقی است. «سمر» به معنای آن است که انسان شب را نخوابد و مرتباً سخن گوید.

مثلاً می‌گویند «این کار را نمی‌کنم ما سَمَرَ سَمِيرٌ» یعنی این کار را نمی‌کنم مادامی که مردم سخن می‌گویند یعنی هیچ وقت نمی‌کنم. «سمیر» به معنی دهر و روزگار است.

مَا أُمَّ نَجْمٌ فِي السَّمَاءِ نَجْمًا: تا ستاره‌ای در آسمان ستاره‌ای را قصد و تعقیب می‌کند

لَسَوَّيْتُ: قطعاً به طور مساوی تقسیم می‌کردم

این سخن را امام (ع) هنگامی فرمود، که رعایت مساوات در عطایای بیت المال مورد ایراد جمعی از خود خواهان قرار گرفت و آن را بر خلاف سیاست دانستند:

ترجمه: آیا به من دستور می‌دهید که برای پیروزی خود، از جور و ستم، در حق کسانی که بر آنها حکومت می‌کنم استمداد جویم؟ به خدا سوگند تا عمر من باقی و شب و روز بر قرار و ستارگان آسمان در پی هم

<sup>۱</sup> - همان، صفحه ۱۸۳، خطبه ۱۲۶.

طلوع و غروب می‌کنند هرگز به چنین کاری دست نمی‌زنم. اگر اموال از خودم بود، به طور مساوی در میان آنها تقسیم می‌کردم تا چه رسد به این که این اموال، اموال خدا است. (و متعلق به بیت المال)

۹- انجام هر عملی که اگر فاش شود، موجب رسوایی می‌شود

وَ اخْذَرْ كُلَّ عَمَلٍ يُعْمَلُ بِهِ فِي السِّرِّ وَ يُسْتَحَى مِنْهُ فِي الْعَلَانِيَةِ وَ اخْذَرْ كُلَّ عَمَلٍ إِذَا سُئِلَ عَنْهُ صَاحِبُهُ أَنْكَرَهُ أَوْ اعْتَذَرَ مِنْهُ وَ لَا تَجْعَلْ عِرْضَكَ غَرَضًا لِنِبَالِ الْقَوْلِ<sup>۱</sup>

واژه‌ها

عِرْضُكَ: آبرویت

وَ اخْذَرْ: و بپرهیز

غَرَضًا: در معرض

يُعْمَلُ بِهِ فِي السِّرِّ: پنهانی انجام می‌شود

نِبَالِ الْقَوْلِ: تیرهای سخنان [مردم]

يُسْتَحَى مِنْهُ فِي الْعَلَانِيَةِ: در ظاهر از آن شرم داری

ترجمه: و از هر کاری که پنهانی انجام می‌شود و در ظاهر از آن شرم داری بپرهیز کن از اعمالی که اگر از کننده‌اش پرسش شود انکار می‌کند و یا پوزش می‌طلبد اجتناب نما، آبروی خود را هدف تیرهای سخنان مردم قرار مده.

<sup>۱</sup> - همان، صفحه ۴۵۹، نامه ۶۹.